

نقد و بررسی زبان شناختی دیدگاه گابریل ساوما

درباره واژه «سکینه»

mohammadalihemati@gmail.com

vafadarkeshavarz@gmail.com

tabassomekhorshid71@yahoo.com

محمدعلی همتی / استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم دانشکده مطالعات تطبیقی قرآن شیراز

وفادار کشاورزی / استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم دانشکده مطالعات تطبیقی قرآن شیراز

زهرا جلالی / دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن دانشکده مطالعات تطبیقی قرآن شیراز

پذیرش: ۹۸/۳/۲۵

دریافت: ۹۷/۱۲/۲۶

چکیده

گابریل ساوما در سال ۲۰۰۶م کتاب «قرآن، تفسیر اشتباه، ترجمه اشتباه و خوانش اشتباه، زبان آرامی قرآن» (The quran Misinterpreted, Mistranslated, And Misread, the Aramaic Language of the Quran) نوشت. وی در این کتاب ادعا می‌کند که زبان قرآن، آرامی - سریانی است و با این ادعا در صدد اثبات اقتباس قرآن از منابع یهودی - مسیحی است. او با بررسی سوره‌های قرآن، واژگان فراوانی را به عنوان شاهد ذکر کرده و به تحلیل آنها پرداخته است. یکی از این واژگان «سکینه»، در آیه شریفه «ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَةً عَلَى رَسُولِهِ» است که وی معتقد است از اصل آرامی بوده و باید براساس اصل آرامی ترجمه شود. او شواهدی را از عهدین و زبان عبری و سریانی ذکر می‌کند که این واژه عربی نیست و به ادعای وی، از فرهنگ حاکم بر منطقه حجاز اخذ شده است. در این مقاله ضمن ارائه دیدگاه گابریل ساوما به نقد و بررسی آن از جنبه زبان‌شناسی تاریخی - تطبیقی در سه زبان عبری، عربی و سریانی می‌پردازیم. وجود واژگان قرآنی در اشعار جاهلی و شباهت‌های ساختاری و معنایی واژگان در سه زبان عربی، عبری و سریانی به این دلیل است که این زبان‌ها اصل واحد سامی دارند. بررسی‌های انجام‌شده در زبان‌های مذکور خلاف ادعای ساوما را اثبات می‌کند و به نظر می‌رسد که ترجمه وی برگرفته از آموزه‌های عهد جدید است که از حلول خدا در حضرت عیسی علیه السلام نشئت گرفته و خاستگاه نصرانی دارد و از منظر اسلام با شواهد قرآنی مردود است.

کلیدواژه‌ها: سکینه، گابریل ساوما، آرامی، سریانی، قرآن، عهدین.

مقدمه

از سویی نیز به گفته فیتز مایر «آرامی میانه دارای پنج لهجه بوده است: فلسطینی، نبطی، پالمیری، حران و سریانی» (فیتز مایر، ۱۹۷۹، ص ۵۷-۸۴) که به طور قطع نمی‌توان گفت حضرت مسیح با کدام لهجه آرامی سخن می‌گفته است، اما شواهدی چون وجود منابع فراوان کهن سریانی و دوام این گویش نسبت به دیگر گویش‌ها و پراکندگی این گویش، به احتمال زیاد حضرت عیسی به زبان آرامی سریانی تکلم می‌کرده است. استتلی پورتر می‌گوید: «اگرچه امکان دارد مسیح زبان عبری می‌دانسته و به احتمال زیاد به یونانی صحبت می‌کرده؛ اما به طور قطع زبان آرامی را نیز نیک می‌دانسته است (پورتر، ۱۹۹۳، ص ۴۴). در هر حال با توجه به چند زبانی بودن منطقه در آن زمان (همان، ص ۲۷)، این امر محتمل است که حضرت عیسی ﷺ چند زبان می‌دانسته، اگرچه همه را به کار نگرفته باشد. نکته دیگر اینکه «عهد جدید جملگی به زبان یونانی نگاشته شده است، هر چند شواهدی در دست است که انجیل متی دارای نسخه اصلی آرامی بوده است» (سیار، ۱۳۸۷، ص ۲۵). نیز «گفته شده که تا سال ۴۰۰م کتاب رسمی مسیحیان در مناطق خاورمیانه کتاب واحد برگرفته از انجیل چهارگانه بوده است. این انجیل دیاتسرون (Diatesseron) نام دارد که به زبان سریانی نوشته شده است» (بریتانیکا، ۱۹۹۵، ج ۱۴، ص ۶۹). از این رو، بررسی این واژه بر اساس زبان سریانی و عبری ضروری می‌نماید.

هر کدام از شاخه‌های زبان آرامی راه خود را پیموده و تطور و تحول خود را داشته‌اند، اما گابریل ساوما از شباهت‌های موجود در این زبان‌ها استفاده کرده و دیدگاه خود را مطرح کرده است. او بعد از اینکه در مقدمه طولانی کتاب خود به تطور و تحول زبان‌های سامی اشاره کرده و موارد تأثیر و تأثر را مطرح کرده، در این میان، بیشترین اثرپذیری زبان عربی را از زبان سریانی می‌داند. وی تمامی سوره‌ها را یکی پس از دیگری بررسی کرده و واژگانی را که اصلی عربی نداشته و در دیگر زبان‌های سامی اثری از آنها وجود دارد و یا در عهدین کاربرد داشته، مورد تحلیل قرار داده و با این کار تلاش کرده تا نشان دهد برای فهم صحیح واژه و یا برای اثبات ادعای خود چاره‌ای جز مراجعه به این زبان‌ها نیست. در این زمینه باید گفت وی دنباله‌رو کریستف لوگزنبرگ است که در سال ۲۰۰۰م کتاب *قروانت سوری - آرامی قرآن* را نوشت و در آن کتاب مدعی شد که یک چهارم آیات قرآن ابهام دارد و برای رفع این ابهام باید به زبان سریانی که مهم‌ترین زبان رایج عصر نزول بود مراجعه کرد.

زبان‌شناسی قرآن و به‌ویژه زبان‌شناسی تاریخی - تطبیقی یکی از ابزارهایی است که پژوهشگر را در فهم آیات قرآن یاری می‌کند. این موضوع در دهه‌های اخیر در میان خاورشناسان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و در میان مسلمانان نیز رفته‌رفته در حال گسترش است. استفاده صحیح و دقیق از این ابزار در کنار دیگر ابزارهای پژوهشی می‌تواند کارکرد مفید و مؤثری در فهم آیات قرآن داشته باشد. برخی از خاورشناسان با استفاده صرف از این علم، بدون توجه به دیگر منابع و قرائن درصدد شناخت زبان قرآن و معرفی آن شده‌اند.

گابریل ساوما (Gabriel Sawma) از جمله اشخاصی است که با این روش به بررسی قرآن پرداخته است. وی در سال ۲۰۰۶ کتابی با عنوان، *قرآن، تفسیر اشتباه، ترجمه اشتباه و خوانش اشتباه، زبان آرامی قرآن* نوشت. همان‌طور که از اسم کتاب معلوم است نویسنده مدعی است که قرآن، تفسیرش، ترجمه‌اش و قرائتش اشتباه است. وی معتقد است مسلمانان نتوانسته‌اند قرآن را در قرون اولیه خوب متوجه شوند و علت آن را این می‌داند که زبان قرآن زبانی آرامی - سریانی (برای مطالعه بیشتر، ر.ک: نوروزی، ۱۳۹۶، ص ۱۰۶ و ۱۱۵) است و به نوعی مدعی است که قرآن چیزی جز مفاهیم برگرفته از کتاب مقدس ندارد و پیامبر اسلام ﷺ مطالب تورات و انجیل را در قرآن بیان کرده است. مهم‌ترین دلیل ساوما شباهت‌های ساختاری و معنایی برخی واژگان قرآنی است.

لازم به ذکر است که زبان‌های سامی یکی از شاخه‌های اصلی زبان‌های آفروآسیایی (آفریقایی - آسیایی) به حساب می‌آید (کامری، ۱۳۸۴، ص ۱۵) که شامل شاخه‌هایی همچون سامی، مصری، بربری (ر.ک: ساوما، ۲۰۰۶، ص ۳۱)، کوشی، چادی و... است که هریک از این شاخه‌ها و زبان‌ها به زیرشاخه‌های مختلفی تقسیم می‌شود که در پهنه غرب آسیا و نیمه شمالی آفریقا بدان‌ها تکلم می‌شده است. زبان عربی در شاخه سامی قرار دارد که تنها شاخه آسیایی این خانواده زبانی است (اورل و استولبووا، ۱۹۹۵، ص ۱۰-۱۳).

از آنجاکه زبان عربی یکی از شاخه‌های سامی است و با زبان‌های عبری و سریانی هم‌خانواده است قطعاً در برخی موارد شباهت‌هایی دارند؛ از طرف دیگر، زبان آرامی زبان فرهنگی تمام منطقه بین‌النهرین و سینا بوده است و تأثیر بسیار عمیقی بر زبان‌های منطقه داشته است، بسیاری از اعراب نیز مسیحی و یهودی بوده‌اند و چندان عجیب نیست که واژگان قرصی فراوانی از زبان آرامی اخذ کرده باشند (دوبلوا، ۱۳۸۲، ص ۱۲۱).

۳. **بررسی واژه «سکینه» و مشتقات آن در زبان عربی**
 ماده «سکن» در لغت به خلاف حرکت (ابن فارس، ۱۹۷۹، ماده سکن)، ثابت شدن شیء بعد از تحرک معنا شده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ماده سکن). همچنین در معنای از بین رفتن وحشت، ترس و ناآرامی و به آرامش رسیدن نیز به کار رفته است (همان). مسکن جایی است که با استقرار در آن نوعی آرامش برای انسان حاصل می‌شود.

کاربرد مشتقات این ماده در شعر جاهلی نیز نشان می‌دهد که اعراب از پیش از اسلام با این ماده و معنای آن آشنا بوده‌اند و فهم درستی از معنای آن داشته‌اند؛ از مشتقات ریشه «سکن» در شعر لیبید اینچنین آمده است: «بما قد تحلُّ الواديين كَلَيْهَما زَنائيرُ فيها مسكنٌ و تدوم» (عامری، ۲۰۰۴، ج ۱، ص ۱۱۷)؛ گاهی معشوق در این دو دره ساکن می‌شود که منزلگاه زنانیر و تدوم، مسکن اوست. یا در اشعار اعشى آمده است: «وَلَمْ تَسْعَ لِلْحَرْبِ سَعَى امْرِئٍ إِذَا بَطْنَةٌ رَاجِعَةٌ سَكَنُ» (اعشى، ۲۰۱۰، ج ۱، ص ۱۴۰)؛ سعی تو برای جنگیدن همچون سعی انسانی نبود که اگر شکمش سیر و پر گردد در خانه آرام می‌گیرد و به جنگ اقدام نمی‌کند. همچنین در شعر عترةبن شلاد مشتق ریشه «سکن» آمده است:

ذَكَرْتُ صَبَابَتِي مِنْ بَعْدِ حَيْنٍ فَعَادَ لِي الْقَدِيمُ مِنَ الْجُنُونِ
 وَحَنًّا إِلَى الْجِجَازِ الْقَلْبُ مَنِي فَهَاجَ غَرَامُهُ بَعْدَ السَّكُونِ

(العسبی، ۱۴۲۵ق، ص ۱۸۴)؛

ترجمه: پس از مدتی، دوران عاشقی‌ام را به یاد آوردم و از سر جنون به گذشته بازگشتم و پس از آرامشی که بر قلبم حاکم شده بود، شور عشقش دوباره فوران کرد.

به طوری که ملاحظه گردید در سه بیت فوق سه واژه «مسکن، سکن و سکون» حاکی از کاربرد مشتقات واژه «سکینه» در عصر جاهلی است. این امر نشان می‌دهد که این واژه در عصر جاهلی در معنای آرامش به کار رفته و قرآن نیز آن را در همین معنا به کار برده است.

۴. بررسی واژه «سکینه» در قرآن

این واژه و مشتقات آن در قرآن ۶۹ بار به کار رفته است. واژه «سکینه» به صورت معرفه و نکره در قرآن ۶ بار آمده است و در هر ۶ بار در معنای آرامش است. در ۵ آیه همراه با فعل «انزل» آمده و دلالت بر نزول سکینه و آرامش از سوی خلوند دارد و در یک مورد هم «سکینه» به خلوند نسبت داده شده است: «سَكِينَةً مِنْ رَبِّكُمْ» (بقره: ۲۴۸). همچنین واژه «سکن» در قرآن به معنای آرامش (انعام: ۱۳) و سکونت (نحل: ۸۰) به کار رفته است. در تفاسیر

در این مقاله پس از طرح ادعای گابریل ساوما درباره واژه «سکینه» در «ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ» که وی معتقد است از اصل آرامی بوده و باید براساس اصل آرامی ترجمه شود، به بررسی و نقد این ادعا می‌پردازیم و با زبان‌شناسی تطبیقی - تاریخی ریشه «سکن» کاربرد آن را در سه زبان عبری، سریانی و عربی و همچنین در قرآن و عهدین بررسی خواهیم کرد.

۱. طرح دیدگاه گابریل ساوما درباره واژه «سکینه»

گابریل ساوما بر این باور است که مسلمانان ترجمه صحیحی از واژه «سکینه» در آیه «ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ» (توبه: ۲۶)، ارائه نکرده‌اند و این امر منجر به ارائه معنایی اشتباه از این آیه شده است. طبق نظر مفسران و قرآن‌پژوهان مسلمانان و اعراب واژه «سکینه» به معنای «آرامش» است، اما ساوما آن را به «منزل و سکونت» معنا کرده است؛ زیرا به نظر وی «سکینه» یک واژه آرامی است و باید براساس اصل معنای آرامی آن ترجمه شود؛ این واژه در زبان آرامی از ریشه «shkino» (سکینو) است که به معنای «سکونت، منزل و مسکن» می‌باشد و براساس این معنی، ترجمه آیه یادشده به این صورت است: «و خداوند در فرستاده‌اش، منزل کرد (ساوما، ۲۰۰۶، ص ۲۸۳-۲۸۴).

۲. بررسی و نقد

در رابطه با دیدگاه آقای ساوما پیرامون واژه «سکینه»، باید چند مطلب مورد بررسی قرار گیرد. نخست اینکه پیشینه واژه «سکینه» در زبان عربی و قرآن و اشعار جاهلی بررسی شود که آیا اعراب در عصر نزول با این واژه و معنای آن آشنا بوده‌اند یا خیر؟ دوم، باید دید واژه سکینه در زبان آرامی به چه معناست و آیا شواهدی بر معنای مورد نظر ساوما در کتاب مقدس وجود دارد؟ و سوم، با فرض صحت دیدگاه ساوما در ترجمه این آیه، باید این ترجمه چه مشکلی را حل می‌کند، و سکونت خداوند در فرستاده‌اش به چه معناست؟ به عقیده آرتور جصری، در زبان عربی، واژه «سکینه» به معنای آرامش و طمأنینه از ماده «سکن» به معنای آرامیدن و آرام بودن، وجود دارد. این واژه در آیه‌های قرآن دارای معنای آیه (بقره: ۲۴۸)، طمأنینه و آرامش (فتح: ۴)، و در برخی موارد (توبه: ۴۰) نصر است و مشتق این واژه در زبان عبری وجود دارد که احتمالاً از راه سریانی وارد عربی شده و با واژه اصیل عربی سکینه به معنای آرامش و طمأنینه ربط یافته و به این ترتیب در کاربرد قرآنی معنای دوگانه‌ای یافته است (جفری، ۱۳۸۶، ص ۲۵۷-۲۵۸).

۶. بررسی واژه «سکینه» در زبان سریانی و انجیل

در زبان سریانی معادل «سکن» عربی واژه «عح» shkn (شکن) است. ساختار این واژه کمی شباهت با سکن عربی دارد. به طوری که قبلاً گفته شد در زیرشاخه‌های زبان آرامی جاگزینی سین با شین معمول است؛ لذا «شکن» سریانی با «سکن» عربی مطابقت دارد و یکی هستند. معنای واژه سریانی همان معانی است که لغت‌شناسان عرب برای «سکن» بیان کرده‌اند. کاستاز نیز معنای استقرار یافتن و ساکن شدن را برای آن آورده است (کاستاز، ۲۰۰۲، ص ۳۶۷) و برای مشتقات این واژه، معانی همچون مسکن، خیمه و ساکن را آورده است (همان، ص ۳۶۸). نکته مهم اینکه کاستاز مشتق **ܫܟܝܢܬܐ** (shakintā) را حضور خدا معنا کرده است. این معنا نشان می‌دهد که برخی از مشتقات «عح» (shkn) (شکن) در زبان سریانی به معنای حضور خداست و شاید همین باعث شده که *سلاوما* سکینه را در آیه «ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ» به منزل کردن خدا معنا کند. فرهنگ *منا* نیز مانند معنای ساکن شدن، معانی آرام شدن، بخشیدن و توقف کردن را برای این ریشه ذکر کرده است (اوجین *منا*، ۱۹۷۵، ص ۶۰۳). شواهد فوق نشان می‌دهد که این واژه هم از نظر معنا و کاربرد در زبان عربی و سریانی کاربردهای یکسانی دارد. فقط نکته قابل توجه این است که از مشتقات آن در عهد جدید فقط در معنای سکونت یافتن و مسکن آمده در معنای آرامش و معانی شبیه به این نیامده است. قریب ۱۸ مورد از مشتقات واژه در عهد جدید دیده می‌شود. برای نمونه در اعمال رسولان اینچنین آمده است: «داوود مورد لطف خدا واقع شد و تقاضا کرد که به او اجازه داده شود مسکنی برای خدای یعقوب بنا کند» (اعمال رسولان، ۴۶:۷). در این عبارت واژه «ܡܫܟܢܐ» (mashkenā) (مَشکنا) آمده است، که در معنای مسکن است. موارد مشابه را می‌توان در کتاب مقدس ملاحظه کرد، که ما به آنجا ارجاع می‌دهیم (اعمال رسولان، ۴۳:۷، ۴۴:۴، ۴۶:۴۷، عبرانیان، ۸:۲۵، ۱۱:۲۶، ۹:۲، مکاشفه ۵:۱۵). دیدیم که واژه مورد نظر *سلاوما* در سه زبان عربی، سریانی، عربی و سه کتاب مقدس کاربردهای شبیه به هم داشت. علاوه بر این، حضور مشتقات این ریشه در شعر جاهلی این دیدگاه را تقویت می‌کند که در هر سه زبان این واژه مسیر خود را طی کرده است؛ به طوری که شباهت‌ها در سه زبان فوق از نظر معنا و تلفظ مشهود است، اما در کتابت هر کدام از قبای خود پیروی کرده و ساختار متفاوتی به خود گرفته است.

معتبر، واژه «سکینه» به معنای آرامش آمده است. برای نمونه، علامه طباطبائی در معنای سکینه می‌گوید: کلمه «سکینه» از ماده سکون است که خلاف حرکت است و این کلمه در مورد سکون و آرامش قلب استعمال می‌شود و معنایش فرار گرفتن دل و نداشتن اضطراب باطنی در تصمیم و اراده است (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۴۳۷). در *مجمع‌البیان* رحمتی که نفس به آن آرامش می‌یابد و ترس‌ها را از نفس می‌زداید (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۶۱۴). در *روض‌الجنان* سکینه به رحمت (ابوالفتح رازی، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۳۶۴) تفسیر شده است. از ریشه «سکن» دو واژه مسکن و سکین نیز در قرآن آمده که ارتباطی چندان با موضوع مورد بحث ندارد.

۵. بررسی واژه «سکینه» در زبان عبری و عهد عتیق

در زبان عبری واژه «שָׁכַן» (shakan) (شکن) معادل «سکن» عربی است. از آنجاکه در زبان‌های سامی در بسیاری از موارد میان سین و شین جابه‌جایی صورت می‌گیرد (یعقوب‌الثالث، ۱۹۶۹، ص ۳۸). لغت‌پژوهان عبری این واژه را به ساکن شدن، آرام کردن، تسکین دادن معنا کرده‌اند (بروکلمان، ۱۸۹۵، ص ۷۷۶). در عهد عتیق معنای این واژه بسیار گسترده است و کاربردهای فراوانی دارد. از جمله: ساکن شدن، سکونت، پایدار ماندن، مسکن و آرامش و استراحت. به معنای ساکن شدن در عهد عتیق اینچنین آمده است: «خداوند به اسحاق ظاهر شد و فرمود: به مصر فرود میا، بلکه در سرزمینی که من به تو خواهم گفت، ساکن شو» (پیدایش ۲:۲۶). در این عبارت واژه «שָׁכַן» (shkon) در معنای «ساکن شدن» آمده است. در آیات زیر نیز این معنا آمده است (خروج، ۲۹: ۴۵؛ اعداد، ۳: ۵؛ ۱۴: ۳۰؛ ۲۳: ۹؛ ۳۵: ۳۴؛ تثیبه، ۱۲: ۱۱؛ ۳۳: ۱۲، ۲۸: ۱۲) در مزامیر آمده است: «ای کاش مانند کبوتر بال می‌داشتم، پر می‌زدم و به جای آرامی می‌رفتم» (مزامیر ۵۵). در این عبارت واژه «שָׁכַן» (eshkonāh) به معنای آسودن در مکان آرام آمده است. یا در همین کتاب در فصل دیگرش می‌خوانیم: «بنابراین سپاسگزار و شادمان هستم و احساس امنیت کامل می‌کنم» (مزامیر ۱۶: ۹). در عبارت اخیر معنای «احساس امنیت و آرامش» در متن اصلی در قالب فعل با واژه «שָׁכַן» (yishkon) آمده است. این با معنای سکینه عربی همسویی دارد. این دو مورد اخیر نشان می‌دهد که گابریل *سلاوما* در انتخاب معنای واژه گزینشی عمل کرده و به تمامی معنا توجه نکرده است؛ لذا شواهد زبان عبری و عهد عتیق بیانگر این است که ماده «سکن» در معنای آسودن و آرامش نیز به کار رفته است.

Britanika, Encyclopedia Britanika, Inc, USA.
Brockelmann, Carl, 1895, *Lexicon Syriacum*, Gotinburgh.
Costaz, Louis, s.j, 2002, *Dictionnaire Syriaqus- francais, syriac-english Dictionary*, Third Edition, Beyrouth, dar el-machreq.
Fitzmyer, Joseph A., 1979, "The Phases of the Aramaic Language", in *A Wandering Aramean: Collected Aramaic Essays*, SBLMS 25; Missoula, Mont, Scholars Press.
Orel, V. E. & O. V. Stolbova, 1995, *Hamito-Semitic Etymological Dictionary: Materials for a Reconstruction*, Leiden, E.J. Brill.
Porter, Stanley E., 1993, "Did Jesus Ever Teach in Greek?", *TynBul*.
Sawma, Gabriel, 2006, *The quran Misinterpreted, Mistranslated, And Misread*, the Aramaic Language of the Quran, Adi Books.

نتیجه‌گیری

۱. واژه سکینه در قرآن به معنای آرامش، صحیح بوده و دلیل آن وجود معنای مشابه برای مشتقات این واژه در زبان عبری و سریانی است.
۲. آقای ساوما در انتخاب معانی گزینشی عمل کرده است. ترجمه وی از واژه سکینه، برگرفته از آموزه‌های عهد جدید است که از حلول خدا در حضرت عیسی علیه السلام نشئت گرفته و خاستگاه نصرانی دارد و از منظر اسلام با شواهد قرآنی مردود است.

منابع.....

الاعشى، میمون بن قیس، ۲۰۱۰م، *دیوان الشعر*، تحقیق محمود ابراهیم محمد الرضوانی، دوحه، وزارة الثقافة والفنون والتراث.
ابن فارس، احمدین، ۱۹۷۹م، *معجم مقاییس اللغة*، ط. الثانية، بیروت، دارالفکر.
ابوالفتح رازی، حسین بن علی، ۱۴۰۸ق، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، مشهد، آستان قدس رضوی.
جفری، آرتور، ۱۳۸۶، *واژه‌های دخیل در قرآن مجید*، ترجمه فریدون بدره‌ای، چ دوم، تهران، طوس.
دوبلوا، فرانسوا، ۱۳۸۲، «نقدی بر کتاب قرائت آرامی - سریانی قرآن»، ترجمه مرتضی کریمی‌نیا، *ترجمان وحی*، ش ۱۴، ص ۱۲۰-۱۲۸.
راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، *مفردات الفاظ قرآن*، ترجمه و تحقیق سیدغلامرضا خسروی حسینی، چ چهارم، تهران، مرتضوی.
سیار، پیروز، ۱۳۸۷، *عهد جدید بر اساس کتاب مقدس اورشلیم*، تهران، نشر نی.
طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۷۴، *تفسیر المیزان*، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، جامعه مدرسین.
طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، ناصر خسرو.
عامری، لیبیدین ربیع، ۲۰۰۴م، *دیوان الشعر*، تحقیق حمدو احمد طماس، بیروت، دارالمعرفه.
عبسی، عنتره بن شداد، ۱۴۲۵ق، *دیوان الشعر*، تحقیق حمدو احمد طماس، ط. الثانية، بیروت، دارالمعرفه.
کامری، برنارد و دیگران، ۱۳۸۴، *زبان‌های دنیا و چهارمقاله در زبان‌شناسی*، ترجمه کوروش صفوی، تهران، سعاد.
نوروزی، حامد، ۱۳۹۶، «تاریخچه مختصر زبان آرامی در ایران»، *پژوهش‌های ادبی*، ش ۵۵، ص ۱۰۵-۱۳۰.
یعقوب الثالث، اغناطیوس، ۱۹۶۹م، *البراهین الحسیه علی تقارض السریاتیة والعربیة*، دمشق، بی‌نا.
یعقوب، اوجین منّا المطران، ۱۹۷۵، *قاموس کلدانی عربی*، بیروت، منشورات مرکز بابل.